

نگاهی بر ساخت‌گرایانه به روابط گازی روسیه و اتحادیه اروپا

مهناز گودرزی*

حسین مفیدی احمدی**

چکیده

روابط گازی روسیه و اتحادیه اروپا به‌عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده عمده گاز طبیعی جهان درون ساختارهای ثابت‌شده انرژی امنیتی‌شده و کمبود تحلیل می‌شود. انرژی امنیتی‌شده، حاصل موقعیت‌های عدم قطعیتی است که در تعاملات انرژی دوجانبه روسیه و اتحادیه اروپا به وفور یافت می‌شود و کمبود نیز برسازنده گفتمان‌های حاکمیت دائم بر منابع و بازار رقابتی است. در چارچوب این ساختارهاست که گفتمان‌های انرژی اتحادیه اروپا یعنی گفتمان‌های امنیت عرضه، بازار، پایداری محیط زیست و مسئولیت اجتماعی همراه گفتمان‌های انرژی روسیه یعنی گفتمان‌های امنیت تقاضا، حاکمیت منابع، پایداری و مسئولیت اجتماعی اهمیت می‌یابد.

واژگان کلیدی

برساخت‌گرایی، عدم قطعیت راهبردی، عدم قطعیت تحلیلی، امنیت انرژی، کمبود، حاکمیت منابع، بازار گاز، روسیه، اتحادیه اروپا

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه روابط بین‌الملل، اصفهان، ایران

Email: goodarzi_mahnaz@yahoo.com

**دانش‌آموخته دکترای روابط بین‌الملل و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Email: mofidiahmadi@cmess.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۶

تاریخ ارسال: ۹۳/۲/۱۰

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۳/زمستان ۱۳۹۳/صص ۱۷۴-۱۴۷

جستارگشایی

پژوهشگران اقتصاد سیاسی، مطالعات امنیتی، مطالعات جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل همواره به روابط انرژی بازیگران عمده نظام بین‌الملل به‌ویژه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عمده انرژی توجه کرده‌اند. اروپا دومین بازار بزرگ انرژی جهان و روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گاز دنیا است. این واقعیت، روابط روسیه و اتحادیه اروپا را به موضوعی پیچیده و حساس بدل کرده است. این مسئله همچنین اهمیت انتخاب مؤلفه‌های نظری مناسب را برای تحلیل و پیش‌بینی تحولات مربوط به این روابط پراهمیت می‌کند. اما آنچه در بخش بیشتر این مطالعات به آن توجه شده است، رویکردهای خردگرایانه جریان اصلی روابط بین‌الملل مبتنی بر محاسبات هزینه-فایده طرفین رابطه بوده است و رهیافت‌های اجتماعی و برساخت‌گرایانه تحلیل این روابط مورد بی‌مهری واقع شده است. این پژوهش در تلاش است با استفاده از رهیافتی برساخت‌گرایانه، ساختارهای مرتبط با روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا را ارزیابی کند. در این میان توجه بیشتر سازه‌نگاری متعارف به واقعیت‌ها و ساختارهای مادی در مقایسه با سازه‌نگاری انتقادی و سازه‌نگاری تفسیری، این قرائت از سازه‌نگاری را برای تحلیل روابط انرژی میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان راهگشا تر می‌کند. در ضمن این پژوهش الگویی ارائه می‌کند که قابلیت استفاده برای تحلیل روابط میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان دیگر را نیز فراهم می‌کند. در این پژوهش ضمن ارائه مبانی نظری، ساختارهای مادی و اجتماعی بخش انرژی و نیز گفتمان‌ها و راهبردهای انرژی اتحادیه اروپا و روسیه بررسی می‌شود و سپس به موقعیت‌های مربوط به عدم قطعیت در روابط گازی دو طرف توجه می‌شود.

۱. ابعاد نظری

از نظر برساخت‌گرایی اجتماعی، منابع مادی فقط درون ساختارهای اجتماعی بزرگ‌تر معنا می‌یابند. این نهادها شامل دانش بین‌الذهانی و روندهایی است که ساختارها را بازتولید می‌کند. برخی برساخت‌گرایان، اولویت هستی‌شناختی را به عوامل مادی در مقابل نهادها می‌دهند ولی برساخت‌گرایان دیگر چون انف^۱ قائل به این هستند که فقط در بستر اجتماعی است که مواد خام (عناصر مادی) منابعی را به دست می‌دهند که می‌تواند به منابع یا مقاصد تعریف شود (William, 2009, p.69). جوزینی^۲ به صورت خلاصه برساخت‌گرایی را از نظر هستی‌شناختی

1. Onuf

2. Guzinni

درباره ساخت اجتماعی واقعیت و از نظر معرفت‌شناختی درباره ساخت اجتماعی دانش می‌داند (Guzzini, 2000, pp.160-162).

برساخت‌گرایی سه مفهوم هستی‌شناختی اساسی دارد. ساختارهای هنجاری و معنامحور^۳ به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارد؛ هویت منافع را شکل می‌دهد و کنش‌ها و کارگزاران و ساختارها به صورت متقابل تکوین می‌یابد. به صورت خلاصه، مطالعه برساخت‌گرایان بر این مسئله متمرکز است که چگونه افکار، هنجارها و هویت‌ها، رفتار را شکل می‌دهند و برعکس. فیلیپوت^۴ چارچوبی تحلیلی را برای توضیح دو تأثیر مهم افکار به دست می‌دهد: ۱. افکار مهم هستند به دلیل آنکه آنها هویت را شکل می‌دهند. به این معنا که ما کارگزارانی آزاد، عقلانی و مستقل هستیم. ما هویت‌های دیگر را به دلیل کشش ذاتی آنها برای خودمان با هویت خود سازگار می‌کنیم. از طریق این سازوکار، افکار به واقعیت فرهنگی مشترک جدیدی تبدیل می‌شوند. ۲. تأثیر مهم افکار در قدرت اجتماعی آنها نهفته است. قدرت اجتماعی افکار، توانایی معتقدان یک فکر در تغییر نگرش هزینه - فایده آنهاست که در مقام ترویج و ممانعت از سیاست‌ها قرار دارند. در این چشم‌انداز افکار باورها هستند و هنجارها، باورهای بیناذهنی درباره رفتار شایسته. هنگامی که گستره وسیعی از بازیگران، افکار پایه‌ای درباره شایستگی یا عدم شایستگی را بپذیرند، آنها به هنجار تبدیل می‌شوند (Estrada, 2007, p.6). با وجود آنکه دسته‌بندی‌های متفاوتی در خصوص رهیافت‌های مختلف نظریه برساخت‌گرایی وجود دارد، تقسیم‌بندی‌ای با رویکرد این پژوهش سازگارتر است که برساخت‌گرایی را شامل دو رهیافت اصلی یعنی برساخت‌گرایی متعارف و برساخت‌گرایی تفسیری/انتقادی می‌داند. برساخت‌گرایی متعارف که مکتب مسلط در ایالات متحده است، نقش هنجارها و در نمونه‌هایی محدودتر نقش هویت را در شکل دادن به پیامدهای سیاست جهانی آزموده است. این برساخت‌گرایان از نظر معرفت‌شناسی اثبات‌گرا هستند و دنبال کردن فرایندها^۵ و تلاش به‌منظور ایجاد پل^۶ میان انتخاب عقلانی و برساخت‌گرایی در روش‌شناسی آنها اهمیت دارد و نظریه سازمانی و نهادی و همچنین روانشناسی از منابع الهام‌بخش آنهاست. روش دنبال کردن فرایندها در روش‌شناسی برساخت‌گرایان متعارف به معنای روشن کردن تداخل فرایندهای علی (زنجره و سازوکار علی) یک متغیر مستقل (متغیرهای مستقل) و پیامد یک متغیر وابسته است. بدین معنا که A باعث

3. Ideational

4. Philpott

5. Process-Tracing

6. Bridge Buiding

B شود، B سپس باعث C شود C نیز D را پدید آورد و غیره. در ضمن ما شاهد مناظراتی برای ایجاد پل میان انتخاب عقلانی و برساخت‌گرایی هستیم. این مسئله همچنان‌انگیز به صورت روزافزون به موضوع بحث‌برانگیزی میان برساخت‌گرایان در سال‌های اخیر تبدیل شده است. این تلاش‌ها به‌منظور ایجاد پل به گونه‌ای در حال افزایش، مفاهیم پیچیده‌ای فراهم می‌آورد که باعث می‌شود با رقبای برساخت‌گرایی انطباق بیشتری داشته باشد. این مسئله شامل ایده‌هایی است شبیه اینکه چگونه می‌توان بین معناگرایی و ماده‌گرایی، نظریه بازی‌ها و برساخت‌گرایی اجتماعی، میان انتخاب راهبردی و چشم‌اندازهای شناختی، میان رفتار همراه با ملاحظه دیگری^۷ و خودمنفعت‌محوری^۸ اتحاد ایجاد کرد.

برساخت‌گرایان تفسیری/انتقادی بر تأثیر زبان به‌مثابه واسطه و عامل برسازگی واقعیت اجتماعی تأکید می‌کنند. در دیدگاه معرفت‌شناختی فرائیبات‌گرای آنها، این نقش در چارچوب تبیینی‌ای نیست که A باعث B می‌شود، بلکه این برساخت‌گرایان به دنبال چگونگی‌ها هستند. برای مثال به جای آزمایش اینکه چه عواملی باعث می‌شود هویت یک دولت تغییر یابد (که جریان اصلی متعارف به آن توجه می‌کند)، آنها به دنبال کشف پس‌زمینه شرایط و ساخت زبان و گفتمانی هستند که هرگونه تغییر مشابهی را در گام نخست ممکن می‌کند. برای مثال معتقدند که تحلیل آنها تأثیرات هویت بر کنش دولت‌ها نیست، بلکه کشف و آشکار کردن محتوای^۹ هویت دولتی در یک نمونه خاص به‌منزله گام نخست تحلیل برساخت‌گرایانه کنش است (Checkel, 2006).

تفاوت دیگر برساخت‌گرایی متعارف برساخت‌گرایی تفسیری/انتقادی در پاسخ به این سؤال خود را نشان می‌دهد که آیا تغییرات در ساختارهای اجتماعی قطعاً به تغییرات مادی منجر می‌شود؟ پاسخ برساخت‌گرایی انتقادی به این سؤال مثبت است. حال آنکه پاسخ ونت، مهم‌ترین نماینده برساخت‌گرایی متعارف، به این سؤال چنین است: همان‌گونه که معناهای اجتماعی صرفاً نیروهای مادی را نمی‌سازند... عوامل معنایی نیز از تأثیر نیروهای مادی مصون نیستند. ونت فناوری را شاهد مثال می‌آورد که دانشی اجتماعی است که بر واقعیت مادی اثر می‌گذارد و نیز به‌مثابه واقعیت و ظرفیت مادی موجود، توسعه فناوری‌های آینده را فراهم می‌آورد (Wendt, 1999, p.111). مسئله‌ای که به ساختارهای مادی بخش انرژی نیز تسری

7. Other – regarding

8. Self – interested

9. Content

می‌یابد. تفاوت دیگر برساخت‌گرایی متعارف و برساخت‌گرایی تفسیری/انتقادی این است که برساخت‌گرایی تفسیری/انتقادی به دلیل اینکه معتقد است این گفتمان‌ها هستند که واقعیت اجتماعی را بر می‌سازند، واقعیت و ساختارهای اجتماعی را بی‌ثبات می‌داند. مسئله‌ای که پیش‌بینی تحولات اجتماعی را به شدت با مشکل مواجه می‌کند. حال آنکه برساخت‌گرایی متعارف ضمن پذیرش اینکه ایده‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها باعث می‌شود تغییر ساختارهای اجتماعی محدود شود یا سرعت یابد و در نتیجه ساختارهای اجتماعی تغییر پذیرند، معتقد است بخش عمده‌ای ساختارهای اجتماعی به شدت در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند و این مسئله سطحی از پیش‌بینی‌پذیری و ثبات را برای آنها امکان‌پذیر می‌کند. در ضمن این ساختارهای نسبتاً باثبات، رفتارهای کارگزاران را نیز به دلیل کم کردن طیف گسترده‌ای از کنش‌های ممکن محدود می‌کند (Kester, 2010, p.25).

حال ببینیم این دیدگاه برساخت‌گرایی متعارف از کدام ایده نشئت می‌گیرد که طبق آن بخش بزرگی از ساختارهای اجتماعی درجه بالایی از ثبات دارند و بخشی دیگر بی‌ثبات‌ترند. در خصوص ارتباط ایده‌ها و منافع، ونت میان نمونه‌های ذیل تمایز قائل می‌شود: ایده‌ها (هویت‌ها) که نمی‌توانند از منافع جدا شوند (در واقع منافع همان ایده‌ها هستند)، چرا که ایده‌ها منافع را ایجاد کرده‌اند. نمونه‌هایی که منافع از ایده‌ها جدا می‌شوند، نظیر نیازمندی‌های بیولوژیکی چون غذا و سرپناه و غیره و نیز مواردی که منافع از ایده‌ها نشئت می‌گیرند اما در حقیقت ایده‌نیستند. این تفاوت از این رهیافت ونت نشئت می‌گیرد که هر کنش یک کارگزار شامل یک «خواست» و یک «باور» است، در حالی که خواسته مرتبط با منافع است، «باور» در خصوص انجام دادن یا انجام ندادن کنش‌ها بر هویت‌ها متکی است (Wendt, 1999, pp.116-130). در ضمن ونت معتقد است کارگزاران «شامل افراد یا دولت» نه تنها به دنبال امنیت فیزیکی هستند، بلکه امنیت هستی‌شناختی را نیز جست‌وجو می‌کنند. از نظر دیگر، بازیگران نه تنها به دنبال سرپناه هستند، بلکه نیازمند واقعیت ثابت اجتماعی‌ای هستند که برای آنها «امنیت فکر» به همراه آورد (Wendt, 1999, p.235). تفاوت میان منافع‌هایی که در حقیقت ایده‌ها هستند و منافع‌هایی که از ایده‌ها نشئت می‌گیرند، تفاوت‌هایی است که بلیس^{۱۰} به آنها توجه کرده است. او در جایگاه اقتصاددان سیاسی بیان کرد که دوره‌هایی وجود دارد که منافع و ایده‌ها می‌توانند از هم جدا شوند و نیز دوره‌هایی وجود دارد که نمی‌توانند. مطالعات او در خصوص تأثیر ایده‌های اقتصادی در انتقال نهادها در زمان‌هایی بود که او آنها را دوره‌های عدم قطعیت نایتینی^(۱) نامید.

10. Blyth

دوره‌هایی که با خطر تعریف نمی‌شوند اما با شخصیت یگانه و نیز شخصیت نامعلومشان مشخص می‌شوند. دوره‌هایی که کارگزاران نه تنها با کمبود اطلاعات مواجه می‌شوند، بلکه مهم‌تر آنکه در خصوص ترکیب منافعشان غیرمطمئن و در نتیجه ناتوان از تعیین احتمالات هستند. روشن‌تر آنکه آنها نمی‌دانند چگونه باید عمل کنند؛ چرا که محیط اجتماعشان را درک نمی‌کنند (Blyth, 2002, pp.27-34). در واقع موقعیت‌هایی وجود دارد که کارگزاران واجد امنیت فکر نیستند. این موقعیت‌ها موقعیت‌های عدم قطعیت هستند و از نظر آیدا^{۱۱} به دو نوع عدم قطعیت راهبردی و عدم قطعیت تحلیلی تقسیم می‌شوند. وقتی کارگزاران با عدم قطعیت راهبردی مواجه می‌شوند، آنها صفات و منافع خویش را می‌شناسند ولی در خصوص صفات کارگزاران دیگر مطمئن نیستند و «عدم قطعیت تحلیلی» با کارگرانی در ارتباط است که صفات خویش و دیگران را می‌دانند ولی در خصوص «طبیعت نظام اقتصادی» که آنها خود را در آن می‌یابند، نامطمئن هستند.

به عبارت دیگر در عدم قطعیت راهبردی، کارگزاران در خصوص قواعد بازی آگاه‌اند و به دنبال افزایش منافع خود درون مرزهای این بازی هستند، ولی در خصوص رفتار کارگزاران دیگر ناآگاه هستند (برای مثال با فقدان اطلاعات مواجه‌اند). حال آنکه عدم قطعیت تحلیلی موقعیتی است که کارگزاران در خصوص قواعد بازی و نیز در خصوص منافعشان در موقعیت‌های ویژه ناآشنایند (Seabrooke, 2007, pp.371-385). به اعتقاد بلیس (۲۰۰۲) کارگزاران در صورت مواجهه با موقعیت‌های عدم قطعیت راهبردی به نهادها روی می‌آورند تا عدم قطعیت را کاهش دهند و در موقعیت‌های عدم قطعیت تحلیلی به ایده‌ها و نه نهادها مراجعه می‌کنند تا طبیعت بحرانی را تفسیر کنند که با آن مواجه‌اند. برساخت‌گرایی متعارف در واقع با تفاوت قائل شدن میان منافی که در حقیقت ایده‌ها هستند (چرا که کارگزاران با ساختارهای در حال تحول اجتماعی مواجه می‌شوند) و منافی که از ایده‌های نهادی ناشی می‌شوند (به دلیل مواجهه کارگزاران با ساختارهای نسبتاً با ثبات اجتماعی)، امکان تفکیک این موقعیت‌ها را فراهم می‌کند. در این چارچوب کارگزاران در موقعیت‌هایی با عدم قطعیت راهبردی مواجه می‌شوند که در چارچوب نهادها و هنجارهای سیاسی و اقتصادی با ثبات و در نتیجه ساختارهای اجتماعی با ثبات کنش انجام می‌دهند، ولی در دوره‌های بی‌ثباتی نهادی و ساختاری با عدم قطعیت تحلیلی مواجه‌اند. در ضمن این رویکرد اهمیت بیشتری به نقش عوامل مادی در ساخت واقعیت‌های اجتماعی قائل است. در این چارچوب برساخت‌گرایی متعارف چارچوب نظری

11. Iida

مناسب‌تری برای بررسی روابط دنیای انرژی است؛ چرا که بازار انرژی از عوامل مادی متأثر است و همچنین موقعیت‌هایی را فراهم می‌آورد که از عدم قطعیت‌ها و مخاطره‌هایی مملو است که تمام تصمیمات و انتظارات بازیگران را با درجه بالایی از خطر مواجه می‌کند. در ادامه پژوهش ضمن بررسی سازوکارهای کارگزاران به منظور کاهش عدم قطعیت (با توجه به ساختارهای مادی و اجتماعی بخش انرژی) و ارائه توضیحاتی درباره موقعیت‌های عدم قطعیت در بازار جهانی انرژی، تأثیر تلاش‌های اتحادیه اروپا و روسیه را در کم کردن این عدم قطعیت و تأثیر آن بر روابط گازی طرفین ارزیابی می‌شود.

۲. ساختارهای مادی و اجتماعی بخش انرژی

۲-۱. ساختار مادی

به اعتقاد سیرله^{۱۲} واقعیت‌ها یا محض^{۱۳} یا اجتماعی هستند، ولی واقعیت‌های مادی محض بسیار اندک هستند. واقعیت‌های مادی نظیر صخره‌های روی زمین یا سیستم بیولوژیکی که حتی زمانی که انسانی وجود نداشت، موجود بوده‌اند. اما بعد از این واقعیت‌های محض، جهان به سرعت به مکانی مه‌آلود تبدیل می‌شود. مکانی غیرشفاف که وسیع است، ولی بیشتر از طریق ویژگی اجتماعی آن شناخته می‌شود (Searle, 1995, p.121).

در خصوص ساختار مادی بخش انرژی می‌توان میان دو دیدگاه بلندمدت و میان‌مدت تمایز قائل شد. از دید بلندمدت سه واقعیت محض در حوزه انرژی وجود دارد: ۱. جمعیت، ۲. منافع فیزیکی انرژی و ۳. فاصله میان جمعیت‌های انسانی و منابع فیزیکی (پراکندگی جغرافیایی عرضه‌کنندگان). این واقعیتی مادی است که بیشتر جمعیت جهان در مناطقی حضور دارند که از نظر انرژی در مقایسه با مناطق کم‌جمعیت‌تر مملو از انرژی، با فقر منابع مواجه هستند. با دیدگاه میان‌مدت (۲۵ ساله) پذیرش این نکته ممکن می‌شود که زیرساخت‌های انرژی دست‌ساز بشر (خطوط لوله، پالایشگاه‌ها، مراکز توزیع و...) بخشی از ساختار مادی است که گزینه‌های آینده کارگزاران را ممکن و نیز محدود می‌کند. این واقعیت‌ها در واقع برساخته‌های اجتماعی هستند که واقعیت مادی انگاشته می‌شوند (برساخته‌های اجتماعی مادی شده یا مصنوعات بشری) (Kester, 2010, p.44).

12. Searle

13. Brute

۲-۲. ساختارهای اجتماعی بخش انرژی

ساختارهای اجتماعی بخش انرژی شامل دو وجه است. اول ساختار اجتماعی ثابت و دیگری گفتمان‌های انرژی با امکان رقابت، توزیع و تغییر بیشتر.

۲-۲-۱. ساختارهای اجتماعی ثابت شده

ساختار انرژی امنیتی شده توسط کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده و نیز ساختار «کمبود»، ساختارهای اجتماعی ثابت بخش انرژی هستند.

۲-۲-۱. ساختار انرژی امنیتی شده

انرژی همواره با امنیت ارتباط نزدیکی داشته است. این مسئله شاهد مثال مناسبی برای چیزهایی است که بدیهی انگاشته شده‌اند.^{۱۴} امنیت در روابط بین‌الملل شرایط بقا و ایمنی محسوب شده است. این شرایط به سرعت دو تعریف از امنیت را پیرنگ می‌کند. اول بقا در چارچوب یک واقعیت مادی سخت که با موجودیت انسان و زندگی و مرگ او در ارتباط است و از این نظر امنیت مسئله «درجه» است و در نگاه جوزف نای «تابعی است از رویداد تهدیدکننده محتمل و بزرگی آسیب بالقوه». این نگاه امنیت را صرفاً از چشم‌انداز مادی می‌نگرد. اما چگونه چیزی ناامن می‌شود اگر آن چیز مادی است؟ آیا مسئله این نیست که مردم موقعیت‌هایی را امنیتی می‌کنند که درباره تحول آینده آن موقعیت مطمئن نیستند؟ بنابراین درحالی که تأثیر تأثیر نهایی موقعیت ناامن ممکن است مادی باشد، عدم قطعیت، مخاطره‌ها و عدم امنیت تعریف شده صرفاً اجتماعی است. در این چارچوب بزرگ‌ترین تهدید برای مصرف‌کنندگان انرژی، قطع واقعی عرضه انرژی نیست، بلکه روابط سیاسی بین‌المللی است که احساس امنیت طرف‌های درگیر را تعریف می‌کند. وخیم شدن فعلی روابط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هدایت‌گر افزایش احساس ناامنی است که از طریق بیانات و علامت‌های ارسالی رهبران سیاسی و آشکارسازی آنها توسط رسانه‌ها ردیابی می‌شود (Kester, 2010, p.46). پذیرفتنی است که دو طرف اقداماتی را به‌منظور کاهش این احساس عدم امنیت به انجام برسانند. این اقدامات شامل متنوع‌سازی فرصت‌های صادرات/ واردات است که از طریق آن احساس امنیت «دیگری» به‌وسیله دادن نتایج مادی به مبانی روانی و احساسی فکر، بیشتر کاهش می‌یابد. کوتاه اینکه کارگزاران آن چیزی را ایجاد می‌کنند که از آن می‌ترسند و این همان «معمای امنیت» است (Monaghan, 2006, p.8).

14. Taken for granted

یک بُعد مهم امنیت، امنیتی‌سازی است. این مفهوم که در ابتدا به وسیله بوزان^{۱۵}، ویور^{۱۶} و دوایلد^{۱۷} توسعه یافت، تعبیری اجتماعی از امنیت می‌دهد. در نظریه امنیتی‌سازی آنها بر تهدیدهایی تمرکز می‌شود که کارگزاران بر ساخته و درک کرده‌اند. تهدیدات در این چارچوب بین‌ذهنی درک می‌شود (Buzan, 1998). در این چارچوب عدم امنیت انرژی آن چیزی است که باید بدیهی فرض شود. ترس‌ها بین‌ذهنی و بر روابط دیالکتیکی میان خود و دیگری مبتنی هستند. درباره انرژی این ترس‌های بین‌ذهنی می‌توانند بر جهان واقعی تأثیرگذارند (مثل تنظیم جریان‌های عرضه یا ساخت خطوط لوله جدید).

۲-۲-۲-۲. ساختار کمبود

علم اقتصاد بیان می‌کند که کمبود، پایه اساسی اقتصادهای دوران مدرن است. این کمبود است که به کالاها ارزش و سپس قیمت می‌دهد و آنچه کمبود داشته باشد موضوع تلاش و ترس از دست رفتن و از نظر دیگر امنیتی‌سازی است. یکی از دلایلی که انرژی منبع طبیعی با ارزشی محسوب می‌شود، کمبود در منابع تجدیدناپذیر است. امروزه شاهد آن هستیم که به کمبود به صورت فزاینده به‌مثابه مفهومی بین‌ذهنی نگریسته می‌شود. چه کمبود را «کسری در منابع طبیعی» و چه «وابستگی احساس شده به منابع طبیعی و فرسودگی جهانی این منابع» تعریف کنیم و چه آن را در تولید و انتشار فهم خاصی از کمبود به‌عنوان مسئله‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر در جهان با منابع محدود و درخواست‌های نامحدود انسانی» تعریف کنیم، همگی در متن برساخته‌های اجتماعی نئولیبرال مبتنی بر «تو مالک چیزی هستی که به دست آوری» قرار می‌گیرد. به اعتقاد آچترهویس^{۱۸}، جامعه مدرن نه تنها کمبود را ریشه‌کن نکرد، بلکه آن را به وجود آورد. در این چارچوب کمبود یک برساخته اجتماعی بین‌ذهنی است (Kester, 2010, p.47-8).

نکته جالب اینجاست که مفاهیم متضادی چون حاکمیت و ناسیونالیسم منابع و جهانی‌شدن مبتنی بر بازارهای آزاد، هر دو برساخته‌های اجتماعی پیچیده در ارتباط با مالکیت و برساخته اجتماعی ثابت‌شده کمبود هستند. برساخته‌های اجتماعی ثابت‌شده کمبود و امنیت در نگاهی بلندمدت، برساخته‌های درونی‌شده‌ای هستند که به محرک‌های انگیزش ناآگاهانه

15. Buzan

16. Weaver

17. Dewilde

18. Achterhuis

کنش‌ها و تفکر کارگزاران انرژی مربوط می‌شوند. این دو برساخته بین‌ذهنی به بخشی از واقعیت هستی‌شناختی کارگزاران و انعکاس‌هایی در واقعیت مادی بدل شده‌اند.

۲-۳. گفتمان‌ها (ساختارهای اجتماعی با ظرفیت رقابت، تغییر و توزیع بیشتر)

گفتمان‌ها از دیگر اجزای ساختار اجتماعی انرژی هستند که در ارتباط و تعامل با برساخته‌های اجتماعی ثابت‌شده امنیت و کمبود قرار دارند ولی ظرفیت تغییر، توزیع و رقابت بیشتری در مقایسه با آن برساخته‌ها دارند. گفتمان‌های انرژی اصلی اتحادیه اروپا گفتمان‌های امنیت عرضه، بازار، پایداری و مسئولیت اجتماعی است و گفتمان‌های انرژی اصلی روسیه گفتمان‌های امنیت تقاضا، حاکمیت بر منابع، پایداری و مسئولیت اجتماعی است که در ادامه در چارچوب بررسی سیاست‌ها و راهبردهای انرژی این دو مصرف‌کننده و تولیدکننده عمده انرژی، به این گفتمان‌ها و ارتباط آن با برساخته‌های اجتماعی ثابت‌شده خواهیم پرداخت. گفتنی است که به‌منظور ارتباط بیشتر گفتمان‌های امنیت (تقاضا، عرضه)، بازار و حاکمیت منابع با برساخته‌های اجتماعی ثابت‌شده، تغییر در این گفتمان‌ها به آسانی امکان‌پذیر نیست. بنابراین گزینه‌های کنش کارگزاران را (چه مصرف‌کننده و چه تولیدکننده انرژی) در تعاملات درونی محدود می‌کند.

۳. سیاست‌ها و راهبردهای انرژی اتحادیه اروپا

این مسئله به‌صورت گسترده‌ای پذیرفته شده است که انرژی به بخش مهمی از سیاست امنیتی، تجاری و خارجی اتحادیه اروپا تبدیل شده است. اتحادیه اروپا به‌صورت روزافزون با فرسایش منابع نفت و گاز دریای شمال مواجه است. در نتیجه، این اتحادیه، متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی را در دستور کار قرار داده است. اتحادیه اروپا حدود ۸۵ درصد مصرف نفت و حدود ۶۵ درصد مصرف گاز خود را وارد می‌کند. حدود ۳۰ درصد واردات گاز اتحادیه از روسیه تأمین می‌شود (نگاره‌های شماره ۱ تا ۵).

نگاره شماره (۱) - مصرف انرژی نهایی^{۱۹} انرژی ۲۷ کشور اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱

مصرف کلی	انرژی هدررفته، تجدیدناپذیر ^{۲۱}	حرارت مشتق شده ^{۲۰} [بیومس]	برق	گاز	نفت و مشتقات	سوخت جامد	تجدیدناپذیر منابع	میزان (میلیون تن نفت ^{۲۲})	درصد
۱۱۰۰/۳	۵/۲	۴۸/۹	۲۸/۲	۲۴۱/۱	۴۴۴/۶	۴۸/۸	۷۶/۸		
۱۰۰	۰/۵	۴/۴	۲۱/۶	۲۱/۹	۴۰/۳	۴/۴	۷		

(EU Energy in Figures, 2013, p.73)

نگاره شماره (۲) - وابستگی به واردات انرژی ۲۷ کشور اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱

گاز	نفت و مشتقات	ذغال سنگ	مصرف کلی	اتحادیه اروپا
۶۷ درصد	۸۴/۹ درصد	۴۱/۴ درصد	۵۳/۸ درصد	

(EU energy in figures, 2013, p.23)

نگاره شماره (۳) - مصرف ناخالص داخلی^{۲۳} انرژی ۲۷ کشور اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱

مصرف کلی	انرژی تجدیدناپذیر	انرژی هسته‌ای	گاز طبیعی	نفت و مشتقات	سوخت جامد	انرژی هدررفته، تجدیدناپذیر	میزان (میلیون تن نفت)	درصد
۱۶۹۷/۷	۱۶۹	۱۳/۸	۳۹۷/۶	۵۹۷/۹	۲۸۵/۵	۱۳/۷		
۱۰۰	۱۰	۱۳/۸	۲۳/۴	۳۲/۲	۱۶/۸	۰/۸		

(EU Energy in Figures, 2013, p.41)

19. Final Energy Consumption
20. Derived Heat
21. Waste, Non-Renewable
22. Mtoe
23. Gross Inland Consumption

نگار شماره (۴) - سهم کشورهای مختلف در واردات ۵۰۸۴۷۷ کیلو تنی نفت خام به

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱

ردیف	کشور	درصد
۱	روسیه	۳۵
۲	نروژ	۱۲
۳	عربستان	۸
۴	نیجریه	۶
۵	ایران	۶
۶	قزاقستان	۶
۷	آذربایجان	۵
۸	منابع دیگر	۲۲

(EU energy in figures, 2013, p.24)

نگاره شماره (۵) - سهم کشورهای مختلف در ۱۳۵۲۲۳۳۳ تراژول - ارزش حرارتی

ناویژه^{۲۴} واردات گاز اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱

ردیف	کشور	درصد
۱	روسیه	۳۰
۲	نروژ	۲۸
۳	الجزایر	۱۳
۴	قطر	۱۱
۵	نیجریه	۵
۶	مصر	۱
۷	مشخص نشده	۱۰
۸	منابع دیگر	۲

(EU Energy in Figures, 2013, p.24)

اتحادیه اروپا با چالش‌هایی عمده در حوزه انرژی مواجه است: تغییرات آب‌وهوایی؛ وابستگی در حال افزایش به واردات انرژی؛ فرسایش منابع انرژی و لزوم دسترسی تمام مصرف‌کنندگان به انرژی ایمن و اقتصادی. اتحادیه اروپا سیاستی را در حوزه انرژی را دنبال می‌کند که جایگزینی منابع انرژی حاصل از سوخت فسیلی (ذغال سنگ، نفت و گاز) را با انرژی هسته‌ای و انرژی تجدیدپذیر و انقلابی صنعتی در ایجاد اقتصاد با نیاز کمتر به انرژی و مصرف ایمن، رقابتی و باثبات انرژی را تسهیل کند.

بعد از ایجاد جامعه ذغال و فولاد در سال ۱۹۵۱ و جامعه انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷، در سیاست جدید اتحادیه در حوزه انرژی در سال ۲۰۰۷، انرژی مجدداً به قلب کنش‌های این

اتحادیه راه یافت. این سیاست بر سه پایه اساسی قرار گرفته است: آزادسازی، بهره‌وری انرژی و توسعه استفاده از منابع تجدیدپذیر و سرانجام امنیت عرضه. در خصوص بازار داخلی، ساخت یک بازار انرژی از اولویت‌های اتحادیه است. وجود بازارهای انرژی رقابتی، ابزاری راهبردی برای ایجاد قدرت انتخاب مصرف‌کنندگان در میان شرکت‌های متعدد عرضه انرژی با قیمت‌های پذیرفتنی است و نیز دسترسی همه عرضه‌کنندگان به ویژه کوچک‌ترین آنها و نیز تولیدکنندگانی را به بازار ممکن می‌کند که در بخش انرژی تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری می‌کنند. تحقق اهداف پیشین نیازمند ایجاد شبکه‌های انرژی یکپارچه و مطمئن و نیز سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌هاست. یک بازار متحد واقعی، متنوع‌سازی و امنیت عرضه را تضمین می‌کند.

در بخش منابع انرژی تجدیدپذیر، اتحادیه اروپا، نیروهای حاصل از باد، خورشید، برق آبی، جزر و مد، گرمایش زمین و زیست توده را جایگزین مناسبی برای انرژی فسیلی دانسته است. استفاده از این انرژی‌ها نه تنها اشاعه گازهای گلخانه‌ای را کاهش می‌دهد، بلکه از وابستگی به واردات سوخت فسیلی نیز می‌کاهد. برای تحقق هدف سهم ۲۰ درصدی تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر، اتحادیه اروپا، برنامه‌هایی برای تمرکز بر بخش‌های گرمایش و سرمایش، برق و بیوفسیل در دستور کار قرار داده است. در بخش حمل و نقل که به شدت به نفت وابسته است، کمیسیون این اتحادیه امیدوار است که سهم ۵/۷۵ درصدی بیوفسیل از مصرف کلی انرژی در سال ۲۰۱۰ را به سهم ۱۰ درصدی در سال ۲۰۲۰ برساند.

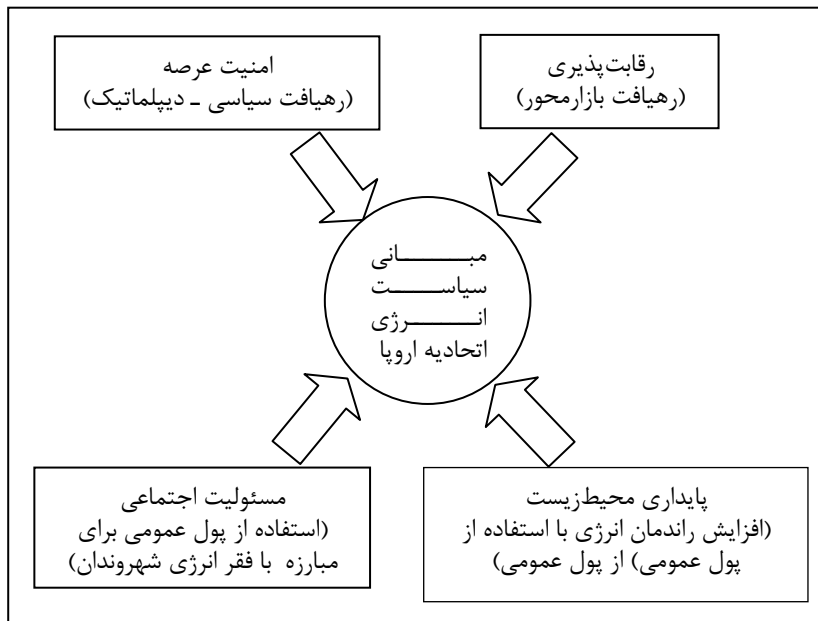
در بخش بهره‌وری انرژی، کاهش مصرف انرژی و محدود کردن هدررفت آن، هدف اصلی اتحادیه بوده است. اتحادیه، ارتقای بهره‌وری انرژی را در چارچوب رقابت‌پذیری، امنیت عرضه و رهیافت‌های پروتکل کیوتو برای تغییرات آب‌وهوایی دنبال می‌کند. ظرفیت‌های مناسبی برای کاهش مصرف به‌ویژه در بخش‌های انرژی‌محور نظیر ساختمان‌ها، کارخانجات، تبدیل انرژی و حمل‌ونقل وجود دارد و در پایان سال ۲۰۰۶، برنامه کاهش مصرف سالانه تا تحقق کاهش ۲۰ درصدی در پایان سال ۲۰۲۰ در برنامه کار قرار گرفت. تحقق این هدف از طریق بسیج افکار عمومی، تصمیم‌سازان و تنظیم بازار و نیز اعمال قواعد مربوط به تولیدات، خدمات و زیرساخت‌ها ممکن خواهد بود.

در بخش امنیت عرضه برای رسیدن به اهداف مربوطه به امنیت، رقابت‌پذیری و ثبات انرژی، اتحادیه باید با کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از جمله تولیدکنندگان، کشورهای ترانزیت و مصرف‌کنندگان انرژی همکاری کند. برای کسب کارآمدی و هماهنگی اتحادیه اروپا، اعضا باید با یک زبان در خصوص مسائل انرژی بین‌المللی سخن بگویند. در این

چارچوب و در دوران آسیب‌پذیری واردات، بحران‌های بالقوه انرژی و بی‌ثباتی‌های مربوط به عرضه آینده انرژی، انطباق با سیاست‌های انرژی اتحادیه به‌وسیله کشورهای کاندیدای عضویت، بخشی مهم از فرآیند الحاق آنها به اتحادیه خواهد بود.

در بخش انرژی هسته‌ای، این نیروگاه‌ها حدود ۱۴ درصد مصرف ناخالص داخلی انرژی اتحادیه را تأمین می‌کنند (نگاره شماره ۳). انرژی هسته‌ای با سطح پایین کربن تولیدی و قیمت‌های نسبتاً باثبات واجد اهمیت است که آن را از نظر امنیت عرضه و تغییرات آب‌وهوایی جذاب می‌کند. مبانی حرکت در این حوزه به اتحادیه انرژی اتمی سال ۱۹۵۷ بازمی‌گردد. کارکردهای اصلی این اتحادیه، همکاری در بخش تحقیقات، حفاظت عمومی، نظارت بر استفاده صلح‌آمیز و همکاری با دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی بوده است. مسئله حفاظت از کارکنان این بخش و عموم مردم و نیز حفاظت از محیط زیست و کم کردن هدررفت انرژی، از جمله موارد لزوم انطباق سیاست‌های این بخش بوده است (Summaries of EU Legislation). این نکته نیز واجد اهمیت است که تا پیش از انتشار سند سبز امنیت انرژی کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۰، مبانی اصلی توسعه‌بخش انرژی اتحادیه اروپا، امنیت عرضه (متنوع‌سازی منابع و مسیرهای انتقال انرژی)، پایداری محیط زیست و بازار رقابتی بود. انتشار سند سبز سال ۲۰۰۰ نشان‌دهنده توسعه در تعریف امنیت انرژی و ورود گفتمان مسئولیت اجتماعی بود (دیاگرام). در این سند آمده است: «امنیت عرضه انرژی برای بهبود زندگی شهروندان و کارکرد مناسب اقتصاد، عدم قطع دسترسی فیزیکی محصولات انرژی بازار، قیمت‌های اقتصادی برای تمام مصرف‌کنندگان خصوصی و صنعتی باید مورد اطمینان واقع شود» (European Commission (Green Paper, 2000, p.2-3).

دیگرام مبانی سیاست انرژی اتحادیه اروپا



(Herczog, 2007, p.4)

۵. سیاست‌ها و راهبردهای انرژی روسیه

اصل حاکمیت دائمی دولت بر منابع طبیعی‌اش^{۲۵} و امنیت تقاضا، مهم‌ترین گفتمان‌های سیاست انرژی روسیه و در ارتباط مستقیم با بر ساخته‌های اجتماعی ثابت شده امنیت و کمبود است. تبدیل شدن حاکمیت دائمی دولت بر منابع طبیعی خود به مثابه هنجاری بین‌المللی در قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌های شورای امنیت و معاهده منشور انرژی^{۲۶} ردیابی می‌شود. از بیش از یک دهه گذشته، حاکمیت بر منابع، سیاست اولیه روسیه برای توسعه اقتصادی و حفاظت از امنیت ملی بوده است. پوتین در رساله دکترای خود در سال ۱۹۹۹ به راهبرد روسیه برای تبدیل شدن به ابرقدرتی جهانی اشاره کرد. او در این رساله بیان کرده بود که استفاده منطقی از منابع طبیعی، حفاظت از محیط زیست و اطمینان از امنیت اقتصادی طولانی‌مدت، فراتر از ظرفیت سازوکارهای بازار است. به اعتقاد پوتین: «... در روسیه لازم است ترکیبی بنیادین میان سازوکارهای بازار خودتنظیم و حمایت برای استفاده و حفاظت منطقی از منابع اجرا شود» (Pogoretsky, 2011).

25. Permanent state sovereignty over its natural resources (PSNR)

26. Energy Charter Treaty

راهبرد انرژی روسیه برای سال ۲۰۲۰ نیز مؤید این سیاست است. در پاراگراف اول این راهبرد آمده است: «بخش انرژی قدرتمند» و «ابزاری برای هدایت سیاست داخلی و خارجی» است و اینکه «نقش کشور در بازارهای انرژی جهان، تعیین‌کننده نفوذ جغرافیای سیاسی این کشور است». در این استراتژی همچنین اشاره شده است که «هدف سیاست انرژی، ایجاد بیشترین استفاده مؤثر از سوخت طبیعی و منابع انرژی و استفاده از پتانسیل بخش انرژی برای رشد اقتصاد و ارتقای کیفیت زندگی است»^{۲۷}. قوانین روسیه نیز این انحصار دولتی بر بخش انرژی را استمرار می‌بخشد. بر اساس قانون بخش‌های راهبردی، شرکت‌های خارجی اجازه کنترل بر شرکت‌های دارای اهمیت راهبردی روسیه را ندارند. برای مثال شرکت‌های خارجی می‌توانند کمتر از ۵۰ درصد سهام این شرکت‌ها را دارا باشند و خرید سهام بیشتر، نیازمند اخذ مجوز نخست‌وزیر روسیه است. تسلط دولت بر بخش نفت و گاز نیز مشاهده می‌شود.^(۲) برای مثال بخش بالا دستی گاز روسیه تقریباً در اختیار شرکت دولتی گازپروم است، به طوری که ۶۵ درصد ذخایر اثبات شده این کشور را در اختیار دارد و حدود ۷۴ درصد کل تولید گاز طبیعی آن را به خود اختصاص داده است. این شرکت همچنین در زمینه صادرات ال ان جی (LNG) در روسیه دارای انحصار قانونی است (موسوی، ۱۳۹۳).

اهداف اصلی راهبرد ۲۰۲۰ روسیه موارد زیر است: ۱. حداکثرسازی استفاده مؤثر از منابع انرژی و سوخت؛ ۲. استفاده از ظرفیت‌های انرژی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی؛ ۳. افزایش بهره‌وری انرژی و حفاظت از محیط زیست (Piper, 2003, p.10). هدف شماره یک، بازتاب نگاه به انرژی به‌مثابه کالایی راهبردی و استفاده از آن به‌مثابه یکی از ابزارهای سیاست خارجی است. روسیه در سال‌های اخیر در تلاش بود که از آسیب‌پذیری مشتریان انرژی خود به‌ویژه کشورهای عضو سازمان مشترک‌المنافع، در چارچوب اهداف سیاست خارجی‌اش استفاده کند. همزمان با تغییرات سیاسی در کشورهای گرجستان (۲۰۰۳-۲۰۰۴) و اوکراین (۲۰۰۵-۲۰۰۴)، روسیه با افزایش شدید قیمت گاز صادراتی خویش به این کشورها که به قطع جریان موقت گاز نیز انجامید، تلاش کرد این کشورها را تنبیه کند و بر سیاست آنها اثر بگذارد (Crane, 2009, p.22) در بحران اخیر اوکراین نیز که با تحولاتی چون برکناری دولت طرفدار روسیه در اوکراین در پی آشوب‌های خیابانی فوریه ۲۰۱۴ و جایگزینی آن با دولت طرفدار غرب، پیوستن کریمه به روسیه در ۱۸ مارس همین سال و ایجاد شدیدترین تنش در روابط غرب و روسیه بعد از جنگ سرد همراه بود، انرژی همچنان کالایی راهبردی برای پیشبرد

اهداف سیاست خارجی روسیه و مواجهه این کشور با غرب بود. در این چارچوب، روسیه در واکنش به تحولات اوکراین و اعمال تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه، اقداماتی از قبیل متوقف کردن صادرات گاز به اوکراین به بهانه پرداخت نشدن بدهی‌های اوکراین به شرکت گازپروم و کاهش میزان صادرات گاز به لهستان انجام داد؛ به گونه‌ای که بسیاری از تحلیلگران این اقدامات را حرکتی در مسیر تلاش روسیه برای اعمال فشار بر اوکراین و اتحادیه اروپا تفسیر کردند.^(۳) امنیت تقاضا دیگر گفتمان مبنایی در سیاست انرژی روسیه بوده است و در ارتباط مستقیم با برساخته اجتماعی انرژی امنیتی‌شده قرار می‌گیرد. عدم قطعیت در بازارهای انرژی دو وجه دارد: یک وجه تقاضا و یک وجه عرضه. عدم قطعیت برای کشوری تولیدکننده آن است که «اگر من سرمایه‌گذاری کنم، می‌توانم بفروشم؟» این مسئله به عوامل متعددی چون رشد اقتصادی کشورهای مشتری، سیاست‌های محیط‌زیستی و انرژی، رشد آینده فناوری و دسترسی منطقه‌ای به عرضه انرژی بستگی دارد. تلاش روسیه برای حفظ انحصار خویش به‌منزله مهم‌ترین عرضه‌کننده انرژی به اتحادیه اروپا و نیز تلاش برای دسترسی و نفوذ در بازارهای آسیایی به‌عنوان منطقه نوظهور تجاری، اقتصادی و صنعتی در این خصوص قرار می‌گیرد. بدیهی است تلاش‌های روسیه برای حفظ انحصار و متنوع‌سازی کانون‌های تقاضا، معمای امنیت میان این کشور و اتحادیه اروپا را پراهمیت خواهد کرد. اهداف ۲ و ۳ راهبرد ۲۰۲۰ روسیه نیز نشان‌دهنده ورود گام‌به‌گام گفتمان‌ها، مسئولیت اجتماعی و پایداری به فضای مناظرات گفتمانی روسیه است. سیاست روسیه در زمینه حفظ قیمت‌های دوگانه انرژی تا حدودی از گفتمان مسئولیت اجتماعی متأثر است. تعرفه‌های بخش خانگی تا حدودی کمتر از قیمت‌های مربوط به مصرف‌کنندگان صنعتی روسیه و در هر دو مورد به‌شدت کمتر از قیمت گاز صادراتی است.^(۴) گرچه گفتمان حاکمیت بر منابع در استفاده از انرژی ارزان به‌مثابه یک اهرم تعدیلی مهم و بزرگ برای اقتصاد روسیه تأکید می‌کند، تمرکز بر دسترسی عمومی بر انرژی ارزان نیز کم‌اهمیت نیست. تلاش‌های اخیر روسیه در استفاده بیشتر از منابع تجدیدپذیر نیز بیانگر تقویت گام‌به‌گام گفتمان پایداری محیط زیست است.^(۵)

۶. روابط گازی اتحادیه اروپا و روسیه (مخاطره‌ها، عدم قطعیت‌ها و بازی درون‌مرزهای برساخته)

روسیه ۳۰ درصد منابع گاز طبیعی، ۱۰ درصد منابع نفت، ۲۰ درصد منابع ذغال‌سنگ و ۱۱ درصد منابع اورانیوم دنیا را داراست. براساس گزارش سال ۲۰۱۰ بریتیش پترولیوم، روسیه ۲۳ درصد منابع گاز جهان و ۲۰ درصد تولید گاز جهان را برعهده داشته است و حدود ۳۰ درصد

تولیدات گاز روسیه صادر می‌شود. اروپا دومین بازار بزرگ انرژی جهان است و روسیه بزرگ‌ترین بازار صادرکننده گاز. تقاضای گاز در اروپا در ۱۵ سال گذشته به شدت افزایش یافته است. شورای اروپا تصریح کرده است که اشاعه گازهای گلخانه‌ای اروپا باید تا سال ۲۰۲۰ حداقل تا ۲۰ درصد کاهش یابد. گاز طبیعی فقط نیمی از دی‌اکسید کربن تولیدی ذغال‌سنگ را برای تولید نیرو منتشر می‌کند. در ضمن از نظر بهره‌وری انرژی نیز گاز ویژگی‌های مناسبی دارد (Söderbergh, 2010, p.2).

گفتمیم که مهم‌ترین دغدغه بازیگران عرضه انرژی، کاستن از عدم قطعیت‌های فراوان بازار انرژی است. اصولاً روابط میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انرژی را باید به‌منزله شکلی از عدم قطعیت راهبردی در نظر گرفت؛ چراکه در حالی که شیوه‌ها و الگوهای مختلف را دنبال می‌کنند، در اساس همچنان در تقلا برای منافع انحصاری هستند. به زبان دیگر کشورها و شرکت‌ها از منافع خود آگاه‌اند، ولی درباره رفتار بقیه بخش‌های بازار نامطمئن هستند. البته این امر به معنای عدم مواجهه با عدم قطعیت تحلیلی به‌ویژه در سطح تصمیم‌سازان دولتی نیست.

۷. عدم قطعیت‌های راهبردی بازار انرژی

۷-۱. عدم قطعیت در خصوص حجم واردات مورد نیاز اروپا

اتحادیه اروپا با چالش‌های عمده‌ای در روابط گازی خارجی خود مواجه است. یکی از چالش‌های مهم، عدم قطعیت درباره سطح تقاضای گاز اتحادیه اروپاست که حتی در زمان نسبتاً کوتاه‌مدت داستان‌های مختلفی را پراهمیت می‌کند. بر اساس داستان‌های مختلف، میزان وابستگی اتحادیه اروپا به گاز طبیعی وارداتی، بین ۸۴ درصد تا ۸۹ درصد تا سال ۲۰۳۰ در نوسان است. این عدم قطعیت تا حدود زیادی حاصل سیاست انرژی و گرمایش زمین اتحادیه اروپاست. نکته اول ارتقای تعهدات در خصوص افزایش سهم انرژی تجدیدپذیر است که بر تقاضای گاز طبیعی اثر می‌گذارد و نکته دوم، تغییر و تحول دائمی در قیمت‌های کربن است که بر قیمت نسبی اشکال مختلف تولید نیرو تأثیر می‌گذارد. از گاز طبیعی برای تعدیل قیمت‌های CO₂ استفاده می‌شود. برای مثال گاز طبیعی برای شکست ذغال‌سنگ به حد کافی قدرتمند است، ولی برای شکست انرژی تجدیدپذیر به حد کافی نیرومند نیست. زمان‌گذاری و عمق تعهدات جدید برای کاهش اشاعه CO₂، تأثیر بر تقاضای گاز طبیعی تأثیری حیاتی دارد و بر سیاست‌های انرژی نیز تأثیر مهمی می‌گذارد (Hunter, 2010, p.28). این عدم قطعیت همچنین بیانگر تقویت روزافزون گفتمان پایداری محیط زیست است.

۲-۷. عدم قطعیت در خصوص اختلال در عرضه و مخاطره‌های ترانزیتی

پیامدهای نشست گرفته از اختلال در عرضه نفت عموماً کم‌اهمیت‌تر از عرضه گاز به وسیله خطوط لوله در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که به دلیل طبیعت مایع نفت، انتقال از طریق کشتی به مناطق دیگر امکان‌پذیر است و این کالا با سهولت نسبی به خریداران فروخته می‌شود. در ضمن ظرفیت اضافی تولید برای تولیدات اپک و نیز ظرفیت مربوط به ذخایر نفت آژانس بین‌المللی انرژی، خطر اختلال در عرضه نفت را کاهش می‌دهد. شاهد مثال، اختلافات گازی روسیه و اوکراین بود که پیامدهایی جدی برای تعدادی از کشورهای اروپایی متکی به مسیر ترانزیتی اوکراین برای گاز روسیه داشت. اروپا در حال حاضر حدود ۳۰ درصد گاز خود را از روسیه وارد می‌کند و این وابستگی ادامه خواهد یافت. این مسئله بیانگر اهمیت اختلافات کشورهای ترانزیتی با کشورهای عمده عرضه‌کننده انرژی به بازار اروپا، برای اتحادیه اروپاست. یک تفاوت بالقوه میان نفت و گاز که منازعات را به معضل امنیت عرضه گاز تبدیل می‌کند، کم بودن انعطاف در ایمن کردن عرضه گاز به دلیل محدودیت‌های فیزیکی و کم بودن نسبی حجم بازار LNG است (Wicks, 2009, p.42).

واکنش اتحادیه اروپا به این عدم قطعیت، تلاش برای متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی و راه‌های انتقال آن بوده است^(۶) و به نقش‌آفرینی بیشتر کشورهای چون ترکیه منجر شده است. واکنش روسیه نیز تلاش برای حفظ انحصار عرضه انرژی، ساخت خطوط لوله جدید و انعقاد قراردادهای جدید فروش گاز^(۷) و انتقال مستقیم گاز به کشورهای اروپایی (بدون حضور کشورهای ترانزیتی) بوده است. مجموعه این کنش‌ها و واکنش‌های زنجیره‌ای به تشدید معضل امنیت انرژی روسیه و اتحادیه اروپا منجر شده است.

۳-۷. عدم قطعیت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی

سیاست‌های مبتنی بر «ناسیونالیسم منابع» که حتی ممکن است به ممنوعیت کامل یا محدود کردن دسترسی به مخازن انرژی برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی^{۲۸} منجر شود، سرمایه‌گذاری را از نظر محدودیت‌های فناوری و مالی بسیاری از شرکت‌های ملی دولتی در مقایسه با شرکت‌های نفتی بین‌المللی تحلیل می‌برد. اغلب شرکت‌های ملی انرژی روسیه از نظر مدیریت فقیر و بر فناوری و شیوه‌های تولید منسوخ متکی هستند که در نتیجه استخراج ناکارآمد حوزه‌های انرژی و هزینه‌های بالاتر و عملیات استخراج طولانی‌مدت‌تر را به همراه دارد.

نتیجه نهایی، قیمت‌های بالاتر انرژی است (Wicks, 2009, p.49&56). توانایی روسیه در حفظ و توسعه ظرفیت‌هایش برای تولید و صادرات نفت و گاز با مشکلات بسیاری مواجه است. منابع نفت و گاز روسیه در حال فرسایش است و سطح فناوری صنعت انرژی این کشور پایین‌تر از استانداردهای کشورهای غربی است. سرمایه کافی برای افزایش و توسعه تولیدات نفت و گاز روسیه و تقسیم خطوط لوله وجود ندارد. برای مثال درخصوص توان گازپروم درخصوص توسعه میدان بزرگ گازی یامال^{۲۹} در چارچوب سطح فناوری و تولیدات صنعتی روسیه ابهام وجود دارد (Pirog, 2007, p.2). مطالعه‌ای میدان به میدان از ۸۳ میدان گازی روسیه نشان داد که تولید گاز این کشور در حال کاهش است (Söderbergh, 2010, p.1). واکنش روسیه به این معضل تأکید بر قراردادهای بلندمدت^{۳۰} بوده است که فراهم‌آورنده مبانی سرمایه‌گذاری و اطمینان از منابع مالی برای جذب سرمایه و توسعه میادین گازی است. البته این سیاست به‌طور مستقیم به امنیت تقاضا نیز مربوط می‌شود. بخش عمده‌ای از صادرات گاز روسیه به اروپا از طریق انعقاد قراردادهای بلندمدت و با قیمت‌های ثابت برای تولیدات متنوع انجام شده است (Söderbergh, 2010, p.5).

از دیگر شروط مربوط به قراردادهای گازی که مستقیماً با امنیت تقاضا مربوط است، استفاده گازپروم از شرط «برداشت کن یا پرداز»^{۳۱} است که برای عرضه‌کنندگان دیگر انرژی گاز به یک هنجار تبدیل شده است (Hunter, 2010, p.26). البته اتحادیه اروپا همواره برای کوتاه‌کردن مدت قراردادهای دوجانبه به روسیه فشار آورده است.

۷-۴. عدم قطعیت به دلیل مصرف بالای داخلی روسیه

روسیه بعد از امریکا دومین مصرف‌کننده داخلی گاز طبیعی است. روسیه بیش از ۷۰ درصد عرضه گاز طبیعی خود را در داخل مصرف می‌کند که حدود ۶۰ درصد آن در بخش الکتریسیته مصرف می‌شود (موسوی، ۱۳۹۳). حدود ۴۱ میلیون مصرف‌کننده خانگی روسیه به شبکه گاز متصل هستند. رشد سریع مصرف، امنیت عرضه گاز را با مشکل مواجه کرده است. روسیه به نسبت حجم اقتصادی، بهره‌وری انرژی پایینی دارد و سرانه مصرف انرژی روسیه از سرانه مصرف کشورهای اروپایی عضو OECD بیشتر است (Söderbergh, 2010, p.6). ماتکریس گاز روسیه (نگاره شماره ۲) نشان‌دهنده حجم بالای گاز مصرفی در داخل کشور است.

29. Yamal

30. LTCs

31. Take-or-pay

نگاره شماره (۶) - ماتکریس گاز روسیه در سال ۲۰۱۱

میلیارد مترمکعب		بازارها	میلیارد مترمکعب		منابع عرضه
۲۰۱۰	۲۰۱۱		۲۰۱۰	۲۰۱۱	
۴۹۵	۴۱۲	تقاضای گاز روسیه	۵۰۸	۵۱۳	تولید گازپروم
۶۴	۷۷	صادرات به کشورهای CIS	۱۴۲	۱۵۷	تولید شرکت‌های دیگر
۱۴۰	۱۶۰	صادرات به اروپا	۳۳	۲۹	واردات از آسیای مرکزی

(Pirani, 2013, p.2)

۷-۵. عدم قطعیت به دلیل وابستگی روسیه به گاز آسیای مرکزی

روسیه به گاز آسیای مرکزی برای حفظ توازن بازار گاز، حفظ تعهدات عرصه خارجی گاز و جبران نیاز برآوردنشده سرمایه‌گذاری‌های گسترده خارجی وابسته است اما محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای تولیدکننده گاز آسیای مرکزی، عدم قطعیت درباره امکان افزایش سرمایه‌گذاری در این کشورها و افزایش تولید در آنها را افزایش داده است (Woehrel, 2009, p.22). در جریان بحران گازی اوکراین و روسیه در سال این توافق نهایی درخصوص شامل کردن ترکیبی از گاز ارزان‌تر آسیای مرکزی با گاز گران‌تر روسیه و ایجاد قیمت متوسط ثابتی بود که به مصالحه دوجانبه و رفع بحران یاری رساند. این مسئله نشان‌دهنده اتکای انکارناپذیر و در حال افزایش روسیه به گاز وارداتی از کشورهای آسیای مرکزی است که اهمیت عرضه را به شدت با تحولات سیاسی و اقتصادی این کشورها مرتبط می‌کند (Crane, 2009, p.22-25).

۷-۶. عدم قطعیت به دلیل احتمال ایجاد کارتلی از تولیدکنندگان گاز و ایجاد بازارهای غیررقابتی و غیرشفاف

ایجاد کارتلی گازی شامل مهم‌ترین تولیدکنندگان گاز دنیا به‌ویژه روسیه، همواره از دغدغه‌های کشورهای مصرف‌کننده بوده است. کارتلی که ممکن است به انحصار قیمت‌گذاری از طریق حداکثرسازی درآمد مصرف‌کنندگان به جای تعیین قیمت توسط نیروهای عرضه و تقاضای بازار منجر شود. بسیاری از تحلیلگران، تأسیس مجمع کشورهای صادرکننده گاز^{۳۲} را مقدمه‌ای برای ایجاد یک کارتلی جدید گازی می‌دانند. نگرانی کشورهای مصرف‌کننده از تشکیل احتمالی این کارتلی، تأکید احتمالی آنها را بر حکمرانی چندجانبه در قالب اتحادیه اروپا یا آژانس بین‌المللی انرژی یا ایجاد نهادهای جدید برای مواجهه مشترک با این معضل در پی خواهد داشت. اقدامی

32. The Gas Exporting Countries Forum (GECF)

که در خصوص دسترسی به انرژی ایمن و ارزان صورت می‌گیرد و در رابطه‌ای متقابل با افزایش «معضل امنیت» احتمال تأسیس کارتل گازی را افزایش می‌دهد.

۸. عدم قطعیت‌های تحلیلی بازار انرژی

گفتیم که عدم قطعیت تحلیلی موقعیتی است که کارگزاران از ساختار و سپس از طبیعت منافع خویش آگاه نیستند. البته موقعیت‌هایی که با بر ساخته‌های اجتماعی ثابت‌شده انرژی امنیتی شده و کمبود مواجه هستند، عدم قطعیت‌های راهبردی‌اند؛ چرا که به دلیل شدت درونی شدن این بر ساخته‌ها، مرزهای بازی روشن است و کارگزاران به منافع خویش واقف‌اند و ساختار بازی را می‌شناسند و فقط در خصوص رفتار بازیگران دیگر اطمینان ندارند. اما گفتمان‌ها و بر ساخته‌های اجتماعی مادی شده میان‌مدت (مصنوعات بشر) در حال تغییر و رقابت هستند. هرگونه تغییر محتوایی در سیاست‌های انرژی، مثلاً درونی شدن بیشتر گفتمان پایداری محیط زیست، کارگزاران را با عدم قطعیت تحلیلی مواجه می‌کند؛ آن هم در دوره‌های زمانی که ساختارهای اجتماعی جدید هنوز تثبیت نشده است و در حال گذار برای ایجاد نظم‌ها و نهادهای جدید هستیم. با ساخت هر نیروگاه بادی یا خورشیدی به‌منزله مصنوعات بشری و تقویت گفتمان پایداری یا تقویت گفتمان مسئولیت اجتماعی، مرزهای بازی موجود بیشتر کدر می‌شود و امکان مواجهه با موقعیت‌های عدم قطعیت تحلیلی فزونی می‌یابد. درباره راهبردهای انرژی اتحادیه اروپا و روسیه اشاره کردیم که این کارگزاران، گفتمان مسئولیت اجتماعی و پایداری محیط زیست را وارد فرایند تصمیم‌سازی خویش کرده‌اند، اما تبدیل شدن این گفتمان به بر ساخته‌های اجتماعی ثابت، زمان زیادی می‌طلبد.

فرجام

روابط انرژی کشورهای مختلف از دیدگاه نظریه‌های واقع‌گرایی و لیبرالیسم نیز ارزیابی شده است، ولی این نظریه‌ها برای تحلیل این روابط واجد چند نقصان بنیادی هستند: اول آنکه در هستی‌شناسی این نظریه‌ها با وجود توجه به عوامل مادی محض، تعاملات بین‌ذهنی، به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های مهم ساخت روابط انرژی کشورهای مختلف غایب است. دوم اینکه این نظریه‌ها ساختارهای بخش انرژی را ثابت فرض می‌کنند و عملاً امکان سر بر آوردن ساختارها و گفتمان‌های جدید را از ساحت نظری خود دور می‌کنند. سوم اینکه در چارچوب این نظریه‌ها، امکان تمایز میان ساختارهای اجتماعی ثابت‌شده و گفتمان‌های بخش انرژی و موقعیت‌های متفاوتی وجود ندارد که این دو برای بازیگران انرژی مهیا می‌کنند. بر ساخت‌گرایی متعارف

ابزارهای نظری مناسب‌تری را در اختیار تحلیلگران بخش انرژی قرار می‌دهد؛ چرا که به تعاملات بین‌ذهنی بازیگران انرژی توجه می‌کند و با وجود ثبات نسبی که درباره بخشی از ساختارهای اجتماعی این بخش قائل است، سربرآوردن گفتمان‌های جدید را در نظر می‌گیرد. این مکتب همچنین با تفاوت قائل شدن میان منافع‌هایی که در حقیقت ایده‌ها هستند (چرا که بازیگران با ساختارهای در حال تحول اجتماعی مواجه می‌شوند) و منافع‌هایی که از ایده‌های نهادی نشئت می‌گیرد (به دلیل مواجهه بازیگران با ساختارهای نسبتاً باثبات اجتماعی)، امکان تفکیک این موقعیت‌ها را فراهم می‌کند. تفاوت برساخت‌گرایی متعارف با سازه‌انگاری تفسیری/انتقادی هم در اینجاست که برخلاف برساخت‌گرایی تفسیری/انتقادی که معتقد است این تعامل یا کنش انسانی است که به بازتعریف و ساخت ساختار می‌انجامد، بخش‌هایی از ساختار را ثابت فرض می‌کند. در این چارچوب تغییر این برساخته‌های اجتماعی ثابت‌شده البته ممکن ولی بسیار دشوار است. در بخش انرژی بین‌المللی نیز ما با دو برساخته اجتماعی ثابت‌شده مواجه‌ایم. اولین ساختار، انرژی امنیتی‌شده است که به بدیهی انگاشته شدن امنیتی بودن مقوله انرژی بازمی‌گردد. این امنیتی‌سازی انرژی حاصل موقعیت‌هایی است که عدم قطعیت‌های تحلیلی و راهبردی نام دارد. موقعیت‌هایی که باعث ارتقای «معضل امنیت انرژی» می‌شود. تفاوت این دو موقعیت، شناخت مرزهای بازی است. در موقعیت‌های عدم قطعیت راهبردی، مرزهای بازی روشن است و کارگزاران به منافع خویش واقف هستند ولی رفتار بازیگران دیگر را نمی‌توانند پیش‌بینی کنند. حال آنکه در موقعیت‌های عدم قطعیت تحلیلی، مرزهای بازی روشن نیستند و بازیگران درخصوص منافع خویش و دیگران وقوف ندارند. بازار انرژی پر از موقعیت‌های عدم قطعیت راهبردی است. درخصوص روابط گاز روسیه و اروپا که از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مهم گاز دنیا هستند، این عدم قطعیت‌ها شامل خطرهای مربوط به انتقال گاز، اختلال در عرضه، سرمایه‌گذاری، سطح تقاضای گاز در روسیه و اتحادیه اروپا، تحولات سیاسی، اقتصادی آسیای مرکزی و امکان بالقوه تأسیس کارتل گازی است.

دومین برساخته اجتماعی ثابت‌شده، ساختار کمبود است که خود نتیجه مفاهیمی چون مالکیت است و باید به صورت بین‌ذهنی درک شود. آنچه تحت عنوان رویارویی دو مفهوم حاکمیت انحصاری بر منابع یا ناسیونالیسم منابع و هنجارهای بازار رقابتی می‌شناسیم، بخشی از مفهوم بین‌ذهنی مالکیت است.

از دیگر ساختارهای مهم اجتماعی، گفتمان‌ها هستند که امکان اشاعه، تغییر و رقابت بیشتری دارند. مهم‌ترین گفتمان‌های انرژی اتحادیه اروپا، امنیت عرضه، بازار، پایداری محیط

زیست و مسئولیت اجتماعی و مهم‌ترین گفتمان‌های انرژی روسیه، امنیت تقاضا، حاکمیت بر منابع، پایداری محیط زیست و مسئولیت اجتماعی هستند. دو گفتمان اول این دو بازیگر در ارتباط مستقیم با برساخته‌های اجتماعی ثابت شده هستند. بنابراین به دلیل برساخته شدن مرزهای بازی، تعیین‌کننده محدودیت‌های سیاست‌گذاری تصمیم‌گیرندگان انرژی بوده‌اند. اما گفتمان‌های مسئولیت اجتماعی و پایداری در تلاش برای کسب موقعیت مشابه هستند. موفقیت دو گفتمان اخیر ما را با دنیایی از روابط انرژی مواجه می‌کند که با دنیایی که هم‌اکنون در آن زیست می‌کنیم، تفاوتی بنیادین خواهد داشت.

پانوشت‌ها

۱. برگرفته از نام اقتصاددان امریکایی فرانک نایت (Frank Knight) که به تفاوت میان مخاطره و عدم قطعیت توجه می‌کرد. به اعتقاد نایت شرایط عدم قطعیت در کنار شرایط مخاطره (ریسکی) و شرایط اطمینان کامل تعریف می‌شود. در شرایط اطمینان کامل، آینده کاملاً مشخص است. در شرایط مخاطره، حالات مختلف آینده مشخص است و همچنین احتمال وقوع آنان (تابع توزیع احتمال). اما در شرایط عدم قطعیت، احتمال آینده‌های متفاوت نه مشخص است و نه می‌توان آن را به روشی عینی تخمین زد (Knight, 1921).
۲. بر اساس آمارهای موجود، دولت روسیه بر بیش از پنجاه درصد اقتصاد این کشور تسلط دارد و این نسبت بسیار فراتر از تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است. دولت روسیه بر چهار بخش راهبردی اقتصاد یعنی صنعت بانکداری، بخش صنعت، بخش مخابرات و بخش نفت و گاز کنترل دارد. برای مثال در حوزه صنعت بانکداری، نظام بانکی روسیه تحت سلطه بانک‌های دولتی است که سهمی بیش از پنجاه درصدی در این صنعت را به خود اختصاص داده‌اند. در این صنعت، بانک‌های با مالکیت خارجی با محدودیت مواجه‌اند و بانک‌های خصوصی داخلی به صورت فزاینده به حاشیه رانده شده‌اند (Russia: Modernising the economy, 2013, p.9).
۳. مراجعه شود به: کاهش صادرات گاز پروم به لهستان و ادامه جنگ اقتصادی غرب و روسیه، ۲۰۱۴؛ روسیه صدور گاز به اوکراین را قطع کرد، ۲۰۱۴ و گاز، سلاح روسیه برای مقابله با اروپا، ۲۰۱۴.
۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص تأثیر قیمت‌های دوگانه در سیاست انرژی روسیه و تأثیر آن بر روابط انرژی روسیه و اروپا مراجعه شود به: (Behn and Pogoretsky, 2012).
۵. روسیه علاوه بر اینکه در ایجاد تسهیلات قانونی لازم برای رشد تولید انرژی‌های تجدیدپذیر کوشا بوده است، در زمینه برگزاری مناقصات مربوط به تولید این نوع از انرژی نیز مصمم بوده است. برای مثال در سپتامبر ۲۰۱۴، دولت روسیه در مدت برگزاری مناقصه‌ای، تولید حدود هزار مگاوات

برق خورشیدی را برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به شرکت‌های مختلف واگذار کرد (Leschinskaya, 2014).

۶. در پی بحران اخیر اوکراین، واکنش کشورهای اروپایی بیانگر به مخاطره افتادن امنیت عرضه این کشورها بود. در مدت بحران، مقام‌های اروپایی بارها اعلام کردند که این بحران نشان داد روسیه شریک انرژی مطمئنی نیست. در این چارچوب، اتحادیه اروپا برنامه جامعی برای کاهش وابستگی انرژی به روسیه و حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و گاز شیل تهیه کرد (تلاش رهبران اروپا برای کاهش وابستگی انرژی به روسیه، ۱۳۸۴).

۷. انعقاد قرارداد گازی چند صد میلیارد دلاری روسیه و چین واکنش روسیه به نگرانی درباره به مخاطره افتادن امنیت تقاضا بوده است. بر مبنای این قرارداد جدید گازی، شرکت «گازپروم» به مدت سی سال، سالانه ۳۸ میلیارد متر مکعب گاز به شرکت ملی نفت چین «سی‌ان‌پی‌سی» تحویل خواهد داد.

منابع فارسی

تلاش رهبران اروپا برای کاهش وابستگی انرژی به روسیه، *یورونیوز*، ۲۰۱۴/۳/۲۰.
روسیه صدور گاز به اوکراین را قطع کرد، *یورونیوز*، ۲۰۱۴/۶/۱۶.
کاهش صادرات گازپروم به لهستان و ادامه جنگ اقتصادی غرب و روسیه، *یورونیوز*، ۲۰۱۴/۹/۱۱.
گاز، سلاح روسیه برای مقابله با اروپا، *یورونیوز*، ۲۰۱۴/۴/۱۱.
موسوی، مریم (۱۳۹۳)، "جایگاه گاز طبیعی در اقتصاد و اشتغال کشورهای روسیه"، قطر و ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

منابع لاتین

Behn, Daniel and Vitaliy Pogoretsky (10 April 2012), "Tensions Between the Liberalist and Statist Approaches to Energy Trade Governance: The Case of Gas Dual Pricing, in: Edited by C Kuzemko", AV Belyi, A Goldthau, MF Keating, *Dynamics of Energy Governance in Europe and Russia*, International Political Economy Series.

Blyth, Mark (2002), "Great Transformations: Economic Ideas and Institutional Change in the Twentieth Century", *Cambridge University*, New York: Press.

Buzan, B., Weaver, O., & de Wilde, J. (1998), *Security- A New Framework for Analysis*, Colorado: Lynne Rienner Publishers.

Checkel Jeffrey (2006 a), "Constructivist Approaches to European Integration ARENA and Department of Political Science", University of Oslo, *Working Paper*.No.06, Available at:

http://www.sv.uio.no/arena/english/research/publications/arenapublications/workingpapers/working-papers2006/wp06_06.pdf

Crane, Keith (2009), "Oil as a Foreign Policy Instrument in Imported Oil and U.S. National Security", *RAND Corporation*, Available at: http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2009/RAND_MG838.pdf

Estrada Harris, Gilberto (2007), "Persuading Consensus: legitimating norms and Norms Legitimizing – Some Implications for Diplomacy", *Cross-sections: The Bruce Hall Academic Journal (Volume 3)*, Available at: <http://eview.anu.edu.au/cross-sections/vol3/pdf/ch02.pdf>

EU Energy in Figures (2013), *European Commission*, Available at: http://ec.europa.eu/energy/publications/doc/2013_pocketbook.pdf

European Commission (2000), *Green Paper: Towards a European Strategy for the Security of Energy Supply*, Available: http://ec.europa.eu/energy/green-paper-energy-supply/doc/green_paper_energy_supply_en.pdf

Guzzini, S. (2000), "A Reconstruction of Constructivism in International Relations", *European Journal of International Relations*, 6 (2)

Herczog, E. (2007), *NATO Advanced Research Workshop*, Retrieved June 24, 2010, Available: archive.rec.org/natoworkshop/downloads/session3/herzcog.ppt

Hunter, Edward, (2010), "EU Natural Gas Demand: Uncertainty, Dependence and Bargaining Power", *Electronic Publications of Pan-European Institute*, 17/2010, Available: www.tse.fi/FI/yksikot/erillislaitokset/pei/.../Christie_netto_final.pdf

Iida, K. (1993), "Analytic Uncertainty and International Cooperation: Theory and Application to International Policy Coordination", *International Studies Quarterly*, 37 (4).

Kester, J. (2010), "Oil Power and Norm A Constructivist Reading of the British Debate on Energy Security", *University of Groningen*, Available at: http://scripties.let.eldoc.ub.rug.nl/FILES/root/Master/ResearchMaster/ModernHistoryInterna/2010/KesterJ./ReMa-1458876-J_Kester.pdf

Knight, Frank (1921), *Risk, Uncertainty and Profit*, New York: Hart, Schaffner.

Leschinskaya, Ksenia (2014), "Renewable Year-end Focus: Russia", *Renewable Energy Network*.

- Marx Liuhto Kari (2008), "Genesis of Economic Nationalism in Russia", Electronic Publications of Pan-European Institute, Available at: http://www.balticseaweb.com/files/files/publications/pan/2008/Liuhto_32008.pdf
- Ministry of Energy of the Russian Federation (2003), *The Summary of the Energy Strategy of Russia for the Period of up to 2020*, available at: http://ec.europa.eu/energy/russia/events/doc/2003_strategy_2020_en.pdf.
- Monaghan, A., & Montanaro-Jankovski, L. (2006), "EU-Russia Energy Relations: the Need for Active Engagement", *Brussels: European Policy Centre*, EPC Issue Paper No.45.
- Piper, Jeff (2003), "Towards an EU-Russia Energy Partnership", *Directorate-General for Energy and Transport European Commissio*, Available: http://www.iea.org/work/2003/soyuzgaz/proceedings/Piper_slides.pdf
- Pirani, Simon (2013), *Consumers as Players in The Russian Gas Sector*, Oxford, Institute for Energy Studies, Available at: <http://www.oxfordenergy.org/wpcms/wpcontent/uploads/2013/01/Consumers-as-players-in-the-Russian-gas-sector.pdf>
- Pirog, Robert (3 January 2007), "Russian Oil and Gas Challenges", *CRS Report for Congress*, Available: www.fas.org/sgp/crs/row/RL33212.pdf
- Pogoretsky, Vitaliy (2011), "The Tension Between Trade Liberalization and Resource Sovereignty: Russia-EU Energy Relations and the Problem of Natural Gas Dual Pricing", *International Law & Regulations / Law of the Sea*, OGEL 6.
- Russia: Modernising the Economy (2013), "Better Policies", *OECD*, Series, Available: www.oecd.org/russia/Russia-Modernising-the-Economy-EN.pdf
- Seabrooke, Leonard (2007), "Varieties of Economic Constructivism in Political Economy: Uncertain Times Call for Disparate Measures", *Review of International Political Economy*, 14:2 May, Available at: <http://www.hks.harvard.edu/fs/pculpepper/RIPE%20review,%20creating%20cooperation.pdf>
- Searle, J. R. (1995), *The Construction of Social Reality*, New York: The Free Press.
- Söderbergh Bengt, Jakobsson, Kristofer, Aleklett, Kjell (2010), *European Energy Security: an Analysis of Future Russian Natural Gas Production and Exports*, Department of

Physics and Astronomy, Uppsala University, Available at:
www.tsl.uu.se/uhdsg/publications/Russian_Gas_Article.pdf

Summaries of EU legislation, Available at:
http://europa.eu/legislation_summaries/energy/index_en.htm

Wendt, A. (1999), *Social Theory of International Politics*, New York: Cambridge University Press.

Wicks, Malcolm (2009), "Energy Security: A National Challenge in a Changing", **Malcolm Wicks MP**, Available at: <http://www.igd.com/our-expertise/Sustainability/Energy/3263/Energy-Security---A-national-challenge-in-a-changing-world/>

Williams, P. A. (2009), *New Configuration or Reconfiguration? Conflict in North-South Energy Trade Relations, in North and South in the World Political Economy* (eds R. Reuveny and W. R. Thompson), Blackwell Publishing Ltd., Oxford, UK.

Woehrel, Steven (2 september2009), "Russian Energy Policy Toward Neighboring Countries", **Congressional Research Service**, available at:
<http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL34261.pdf>